

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مدیر مایه آسمان

سوم دبستان

درس بیستم

آموزگار:

ملیحه عباسی

تعلیم و تربیت اسلامی





خانواده ی آقای مرادی در تعطیلات تابستان به روستای خود آمده اند. روستا در دشتی زیبا و خوش آب و هوا قرار دارد. همه چیز در روستا برای آن ها جالب و تماشایی است؛ باغ های پر از میوه، حوض های پر از ماهی، مناظر زیبای طبیعت و... در اینجا با اقوام و دوستان خود دیدار می کنند و به آن ها خیلی خوش می گذرد. سینا پسر آقای مرادی، هر صبح و عصر با دوستان خود به باغ پدربزرگ می رود. آن ها با هم بازی می کنند، می دوند و از درختان، میوه می چینند. سپس میوه ها را در آب چشمه می شویند و با لذت می خورند.

گاهی هم او با خواهرش سعیده به گاو پدربزرگ علف میدهند و شیرش را هنگام صبحانه می نوشند. یک روز صبح پدر به بچه ها گفت: «بچه ها! فردا قرار است به شهر خود بازگردیم.» سینا خیلی ناراحت شد و به پدرش گفت: «دوست دارم خانگی ما در روستا باشد و برای همیشه در اینجا بمانیم.» پدر گفت: «دوباره به اینجا می آیم.» سینا خیلی خوش حال شد و گفت: «دوست دارم هر وقت به اینجا می آیم، طبیعت این قدر سرسبز و زیبا باشد. ای کاش، همیشه بهار بود!»



پدر خندید و گفت: «فصل بهار و سرسبزی باغ که برای همیشه نمی ماند. تنها یک باغ است که همیشه سرسبز و خرم می ماند. باغی که جویبارهای زلال، از زیر درختانش جاری است. درختانش همیشه شکوفه و میوه می دهد و انواع میوه ها در آن وجود دارد. در کنار باغ های پر از میوه اش قصرهای باشکوهی نیز بنا شده است.» سینا با تعجب پرسید: «آن باغ کجاست؟» پدر گفت: «همان باغی که خداوند در قرآن به انسان های نیکوکار وعده داده است.

نام آن باغ همیشه بهار، بهشت است. اهل بهشت، هر چه را که دوست داشته باشند، در دسترس آن ها قرار می گیرد. در آنجا هیچ غصه و ناراحتی ندارند. هیچ کس پیر و بیمار نمی شود. آدم ها به همه ی آرزوهای خود میرسند و برای همیشه آنجا می مانند.»

سینا گفت: «خوش به حال کسانی که به بهشت می روند!»

پدر گفت: «... که به جای آنکه راه بهشت را در پیش بگیرند، ...»





وَ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

و به کسانی که به خدا ایمان می‌آورند و کارهای نیک انجام می‌دهند، بشارت بده که برای آن‌ها در بهشت، باغ‌هایی است که در آن‌ها رودهایی جاری است.

سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۵

دوست دارم به باغ همیشه بهار بروم. پس سعی می‌کنم:

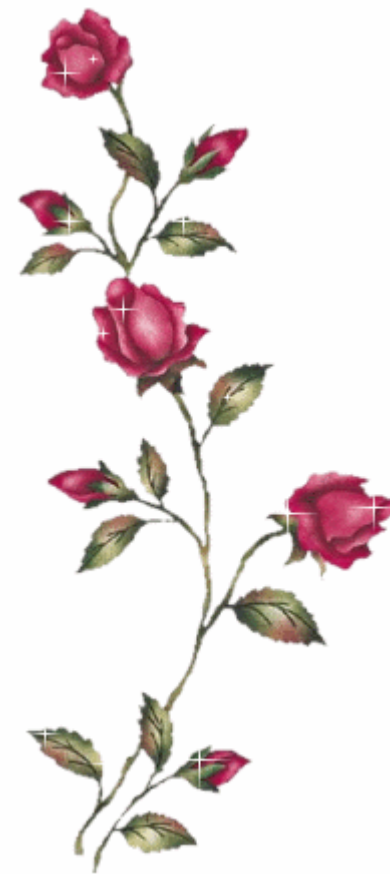
در کارهایم حق دیگران را ضایع نکنم.

در ارتباط با دیگران مراقب رفتار و گفتارم باشم.

در برابر خدا دروغ نگویم تهمت نزنم.



با این قطره ها، یک آیه از سوره ی حمد و ترجمه اش را کامل کنید
 « مالکِ **یوم الدین** »؛ یعنی « (خدا) صاحب **روز قیامت** است.





بگرد و پیدا کن

گفت و گو با خدا

بوی بهشت

آستین های خالی

یک بار دیگر به این درس ها مراجعه کنید. در هر درس چه چیزهایی یاد گرفتیم که به ما کمک می کند به باغ همیشه بهار برسیم؟

۱- شکرگزاری بابت تمام نعمت هایی که خداوند به ما بخشیده است.


۲- نیکی کردن و محبت کردن به پدر و مادر

۳- نماز خواندن

با خانواده

باغ همیشه بهار را به کمک اعضای خانواده، نقاشی کن.



A decorative border of colorful pencils surrounds the text. The pencils are arranged in a circular pattern, with their tips pointing towards the center. The colors include various shades of blue, green, yellow, orange, red, and purple.

موفق باشید گل های نازم